زن شرور دو بار زندگی می‌کند

مترجم :

Akane

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

Lilac

کلینر :

Castlan_A

تایپیست :

Black

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

The Villainess Lives Twice

پنج امتیازی: Park Jinwoo, Kim Dalhae | طراحی: Peachberry
نویسنده: Han Mint

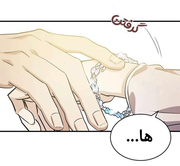

با من ازدواج می‌کنی،
مارشینس رزان؟

تپش
تپش

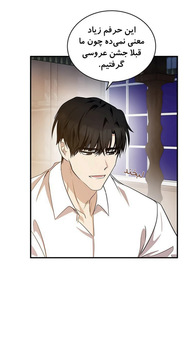
این حرفم زیاد معنی نمی‌ده چون ما قبلا جشن عروسی گرفتیم.

فقط... می‌خواستم انجامش بدم.

... باشه.

قبل از اون...
گفته بودی اگه به کارایی که می‌کنی شک داشتم،
بیام و ازت دلیلش رو بپرسم، اینطور نیست؟

به جای اون، این رو ازت می‌خوام.

فرقی نداره چه اتفاقی بیوفته،
حتی اگه دشمن هم بشیم،
حتی اگه بهم شک داشته باشی، یا من بهت شک داشته باشم،

چیزی که بهت می‌گم رو فراموش نکن.

مهم نیست کی هستی یا چه کاری کردی.
حتی اگه خنجر تو قلبم فرو کنی.
تو تنها همسرم خواهی بود.

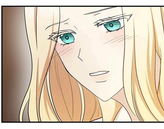

جوابت چیه؟
... تیلا.

خب... باشه...

یکم بخواب.
وقتی بیدار بشی، باید به قلعه برگردیم.
سدریک...
باشه.

هیزم‌ها رو بیشتر کردم.
برای اینکه مطمئن بشم تمام شب آتیش روشن می‌موند.
... باشه.

تقه تقه

تقه تقه

نگاه

تو اولین و آخرین زنی هستی.
که می‌خوامش.
چه قبل این ماجرا چه بعدش.

حتی اگه زندگی دیگه‌ای در کار باشه.

همیشه اون فرد تو هستی.

صبح روز بعد...

احساس ناراحتی می‌کنی؟
نه! خوبم.

راه به‌خاطر برف ناهموار.
کالسکه هم خیلی خوب نیست.

من خوبم.
فکر می‌کنم بهتره برگشت و استراحت کرد.
منم نگران قلعه‌م.

مبنون که درک می‌کنی.

خب،
یه چیزی هست که می‌خوام بهت بگم.

اگه درباره پناهنده‌های دریایی جنوبیه، نیازی نیست توضیح بدی.
چون تو بدونا دلیل کاری انجام نمیدی.

ببخشید بهم گفتی استادی که پیش باور داشتی...
چیزی جز به توهم نبود.
من فکر نمی‌کنم اعتماد سوریک بر اساس توهم باشه.

خیانت در هر زمانی ممکنه رخ بده.
ولی...
با این وجود...

مردم دوکم اورون.
هیچ وقت خیانت نمی‌کنن.

فقط تفکر مردم اورون متفاوته. به هر حال اونا به فکر دوکدم اورونن.

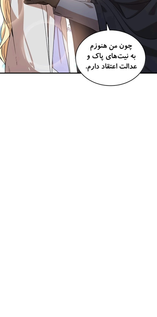
چند وقتی هست که...
اینو متوجه شدم.

نگران نباش.
چون من هنوزم به نیت‌های پاک و عدالت اعتقاد دارم

وویش
تق تق

تق تق

کنار زدن

برای استراحت توقف کنیم؟

اگه بخوای می‌تونی بری.
تپ
تپ

تو قلعه کارای ناتموم داری.
و اگه تنها بر گردی، توی وقت سرقه‌جوی می‌شه.
عجله‌ای ندارم.

خنده دار نیست که برای نجات پیام اما تنها برگردم؟
و اینکه...

بقیه ممکنه فکر کنن که تو بازم می‌خوای...
لازم دوری کنی.
اهم اهم

من هرگز این کار رو نکردم.
سکه زدن
تیا.

درسته من سریع متوجه نمی‌شم اما...
تپ
اتقدر که تو فکر می‌کنی هم احمق نیستم.

فکر می‌کنن متوجه نشدم که داری من رو به سمت لشیا هل میدی؟

حتی بهش فکرم نکن.
اول از همه اون کار باعث رنجش لشیا شد.

نمی‌دونم درباره‌ی چی حرف می‌زنید. کی گفته من این کارو کردم؟

ندیمه‌ت رو برای سرو کردن چایی شوهرت فرستادی.
فکر می‌کردم این فقط نوی اردوهای بد سیاسی اتفاق میوفته.
دوباره!
دوباره!

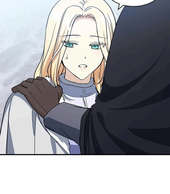
این...

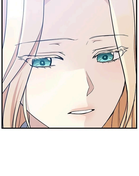

۵ سال بعد از اینکه لشیا قدرتمند شد.
سدریک با وجود اینکه می‌دونست از به روستایی شوهرشه ارش خواستگاری کرد.
و لشیا پذیرفت.

اون بعد وش شد که لشیا امپراتریس می‌شه.
و از اینکه سدریک آهیپس نبیله ترمیز و عقد رو بهم زد.
اگه من وش رو تشریف نمی‌کردم، اون دو تا با هم ازدواج می‌کردن و کنار هم دوکشم رو اداره می‌کردن.

بعد از ازدواج
لشیا و لارنس،

صدریک از پایتخت
رفت و هرگز برنگشت.

تا آخر عمر با
هیچ زنی نبود.

نه قبل از اون
نه بعدش.

و بازم، من
صدریک رو از پنک
لشیا بیرون کشیدم...

یعنی با کنار زمان،

قلبش به سمت
لشیا بر می‌گرده؟

شاید این بار،
همه چی متفاوت
پیش بره.

آینده قطعاً عوض شد.
این ازدواج با فرض به
ازدواج واقعی بنا شد.

دیگه هدفی نیست
که تا آخر عمر عاشق
لشیا باشم.

اون الان منِ
رو دوست داره

پس بذار یکم بیشتر
اینطوری بمونیم.

تا وقتی که قلب
صدریک تغییر کنه...

مجبور نیستی
تلاش کنی تا منو به
یکی دیگه تسلیم
کنی.

!

اشکالی نداره
اشتباه کنی،

چون این برای تیا
کار خیلی غلطیه.